

## Humanitarian Care and small things in dehumanised places

### مراقبت بشردوستانه و امور کوچک در فضاهای غیرانسانی شده<sup>۱</sup>

پاول بوویر\*<sup>۲</sup>

پاول بوویر مشاور پزشکی ارشد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو سوییس، متخصص بهداشت عمومی و اطفال<sup>۳</sup> است. رشته‌های مورد علاقه او عبارت‌اند از: آسیب‌پذیری، تروما و برگشت‌پذیری<sup>۴</sup> قربانیان خشونت. از سال 1979 به عنوان پزشک در بازداشتگاه‌های مختلفی در قاره‌های متفاوت کار کرده است. فعالیت فعلی او در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با مسائل مربوط به بهداشت و اخلاق در امور بشردوستانه، و پرورش متخصصان بشردوستانه در زمینه بهداشت عمومی پاسخگو در بحران‌ها و مخاصمات مسلحانه در ارتباط است. واژگان کلیدی: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فعالیت بشردوستانه، ارزش‌های بشردوستانه، نمایندگی‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بازدید زندان‌ها، مصاحبه‌ها، بدرفتاری، کرامت انسان، محرمانه، تروما، بازگشت‌پذیری، مراقبت.

\*\*\*\*\*

### فعالیت بشردوستانه چیست؟

چیزی نبود جز یک تکه نان که بدن من را گرم کرده بود  
و در روح من هنوز مانند یک جشن باشکوه زبانه می‌کشد.  
جورج براسنر، ترانه‌ای برای اورژانس<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> برگردان به فارسی: ظهی عبدالعلی زاده

\*نظرات بیان شده در این مقاله متعلق به نویسنده است و نه لزوماً نظرات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. بخشی از این مقاله در جلسه افتتاحیه اولین کنگره اروپایی روانپزشکی در 4 ژوئن 2012 در ژنوا ارائه شده است.

<sup>۲</sup> Paul Bouvier

<sup>۳</sup> Paediatrics

<sup>۴</sup> Resilience

<sup>۵</sup> "Ce n'était rien qu'un peu de pain,

*Mais il m'avait chauffé le corps,*

*Et dans mon âme il brûle encore,*

*À la manière d'un grand festin", Chanson pour l'Auvergnat*

این‌ها یادداشت‌های مختصری در مورد امور بسیار کوچک هستند. امور کوچک، مثل یک فنجان قهوه، عکس گل‌ها، حیوانات و مناظر طبیعی یا چند قطره عطر. در حقیقت امور بسیار کوچک، تا حدی مضحک که به ندرت شایستگی این را پیدا می‌کنند که در گزارش‌ها، حساب‌ها و مقاله‌های رسانه‌ها در باب اقدام بشردوستانه در مناطق ظاهر شوند. اگرچه گاهی امور چنین کوچک نمایان کننده بخش اصلی و شاید معنادارترین بخش از فعالیت کارمندان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در میان مخاصمات مسلحانه و خشونت هستند.

در فعالیت‌هایم به عنوان پزشک و نماینده پزشکی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، زندان‌های مختلفی در قاره‌های مختلف را دیده‌ام. در بازدیدها از زندان‌ها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان سازمان بی طرف، مستقل و بی‌غرض، در چارچوب مصاحبه‌های خصوصی و محرمانه با زندانی‌ها و گفتگوهای محرمانه با مقامات زندان‌ها کار می‌کند.<sup>6</sup> رازداری در مصاحبه‌ها برای حمایت از زندانی‌ها و استقرار رابطه‌ی صادقانه ضروریست. گفتگوی محرمانه با مقامات در حالی که ناشناس ماندن منبع اطلاعاتی محافظت می‌شود، نتایج و توصیه‌هایی کلی را بر پایه مشاهدات به دست آمده در طول دوره بازدید و مسائل مطرح شده توسط زندانی‌ها به دست می‌دهد. هدف این بازدیدها ارتقای شرایط زندان‌ها و رفتار با زندانیان، جلوگیری یا متوقف کردن بدرفتاری و ترویج رفتار انسانی و روابط در زندان است. در 2012 نماینده‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با قریب به 540000 زندانی در 97 کشور و سرزمین ملاقات کردند که بیش از 26000 نفر در مصاحبه‌های خصوصی ملاقات شدند. در بسیاری از نمونه‌ها نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها بازدیدکنندگان بیرونی زندانی‌ها هستند.

این یادداشت‌ها بر روی ملاقات با زندانیان متمرکز است. به دلیل محرمانه بودن فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هیچ مکان، زمان، یا اسمی از افراد گفته نخواهد شد. ولی خواننده می‌تواند تصور کند که مسائل مشابهی در زمینه‌های بسیار مختلفی رخ می‌دهد.

### فایده‌ی یک فنجان قهوه چیست؟

این تعمق از دو سوالی که توسط همکارانم پرسیده شد برخاسته است. این‌ها سؤالات پیچیده ای هستند که جواب آسان و ساده ای ندارند. اگرچه هر دو سؤال ما را به عمق و محدودیت‌های اقدامات بشردوستانه در شرایط خشونت آمیز می‌برد و هم چنین ما را به قلب مراقبت‌ها و اخلاق بشردوستانه نزدیک می‌کند. سؤال اول به شکل یک تقاضا از سوی متخصصی پرآوازه در روانشناسی پوزیتیو و بازگشت‌پذیری بود. وی به دنبال مطالعه ای بود که چند سال پیش توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام شده بود و آنطور که در خاطر وی بود در آن مطالعه مردمی که به آن‌ها کمک شده بود از اینکه چه چیزی بیشترین کمک را به آن‌ها کرده و باعث شده احساس خوبی داشته باشند صحبت کرده بودند. او به یاد داشت که پاسخ‌های آن‌ها اغلب امور کوچک، حالت‌های مهربانانه، مانند پیشنهاد یک فنجان قهوه به آن‌ها را برجسته می‌کرد.

<sup>6</sup> ICRC, Visiting Detainees, ICRC, Geneva, 2013, available at: <http://www.icrc.org/eng/what-we-do/visiting-detainees/> (last visited 22 June 2013). See also the leaflet Ensuring respect for the life and dignity of persons deprived of their liberty, ICRC, Geneva, 2011, available at: <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/publication/p0543.htm> (last visited February 2013).

از یک سو قطعاً من می‌توانستم ارزش یک فنجان قهوه را تحسین کنم. هم چنین می‌فهمیدم که وقتی یک نماینده کمیته بین المللی صلیب سرخ برای یک صحبت خصوصی با زندانی به بازدید او می‌آید گوش دادن و به اشتراک گذاشتن یک فنجان چای، قهوه، آب پرتغال یا شیرینی معمولاً یک رخداد ویژه در زندگی زندانی است. از سوی دیگر دریافتم که صحبت کردن از تجربه‌های مثبت و انعطاف‌پذیری در موقعیت‌هایی که در آن‌ها مردم در شرایط ترسناک برای نجات تقلا می‌کنند و گاه قربانی رفتارهای غیرانسانی و تزدیلی یا خشونت بیش از حد می‌شوند؛ خجالت آور است. بیشتر گفتگوهای خصوصی ما در بازدید از زندان‌ها در مورد زندگی در زندان بود، جدایی از معشوق‌ها، سختی، تجربه‌های سهمگین، ناراحتی، رنج و درد؛ و چون من یک پزشک هستم مکالمات ما معمولاً بیماری‌ها، ناراحتی‌های بدنی، بیماری‌های مزمن و اختلالات روحی روانی معمولاً مرتبط با اسارت را نشان می‌داد.

در چنین شرایطی، بی شک از یک فنجان قهوه می‌تواند به خوبی استقبال شود، اگرچه من در بزرگنمایی ارزش آن احساس خطر می‌کردم، در نتیجه انکار رنج و وحشت احتمالی را بایستی تحمل کرد. در چنین شرایطی، ارزش یک دیدار واقعاً چیست؟ آیا پیشنهاد یک فنجان قهوه همراه با محبت واقعاً تفاوتی ایجاد می‌کند؟ گویا (نقاش شهیر) در یک طرح چشمگیر از سری «فجایع جنگ» پیرزنی را تصویر می‌کند که کاسه ای سوپ را برای یک شخص بسیار گرسنه مشرف به موت در دوران قحطی مادرید در طول جنگ استقلال اسپانیا در 1810 می‌آورد.<sup>7</sup> این تصویری از انسانیت است. اگرچه گویا دامنه محدود و استهزاآمیز این مقدار کم را با چنین عنوانی مورد پرسش قرار می‌دهد: «فایده‌ی یک فنجان چیست؟».

### آیا این یک اقدام بشردوستانه است؟ بدون قدرت بودن در ملاقات‌های زندان

سؤال دیگر چند ماه بعد توسط یک پزشک که با کمیته بین المللی صلیب سرخ در بازدیدگاه‌ها همکاری می‌کرد مطرح شد. این همکار اخیراً از یک منطقه مخاصمه بازگشته بود که در آنجا شکنجه روبه‌ای رایج و مستمر بود. زندانیان مکرراً مورد ضرب و شتم و شکنجه از راه‌های بدی قرار می‌گرفتند. کمیته بین المللی صلیب سرخ از این بازدیدگاه‌ها بازدید می‌کرد، با زندانیان صحبت می‌کرد، مدارک تجاوز و بدرفتاری را جمع‌آوری می‌کرد و به مقامات گزارش می‌داد تا تغییر و بهبود حاصل شود. اگرچه پیشرفت چندانی در همان زمان حاصل نمی‌شد و نمایندگان تنها می‌توانستند شاهد دامنه، تکرار و اهمیت رفتار بد باشند. همکاران ما شاهد نتایج ویرانگر بدرفتاری بودند. کمیته بین المللی صلیب سرخ شروع به دادن پیشنهاد حمایت روانی پس از آزادی به زندانیان کرد و در صورت نیاز مشاوره و مراقبت‌های بهداشت روان. هرچند نیازها بسیار عظیم بودند، صدها تن می‌توانستند از چنین مداخله‌ای بهره مند شوند اما ظرفیت برای فراهم کردن خدمات محدود بود. آیا نسبت به کسانی که این برنامه شامل آن‌ها نمی‌شد انصاف رعایت شده بود؟ سپس سؤالات مرکزی تری بوجود آمد: آیا کمیته بین المللی صلیب سرخ باید این دیدارها را ادامه دهد؟ ارزش آن‌ها چیست اگر شکنجه و رفتار بد ادامه پیدا می‌کرد؟ آیا این موضوع معقول بود؟ او پرسید: «آیا این یک اقدام بشردوستانه است؟».

<sup>7</sup> Paul Bouvier, 'Yo lo vi' – Goya witnessing the disasters of war: an appeal to the sentiment of humanity', in International Review of the Red Cross, Vol. 93, No. 884, December 2011, pp. 1107–1133.

هدف بازدیدهای کمیته بین المللی صلیب سرخ از زندانیان، حصول اطمینان از انسانیت و ارتقای آن، احترام به کرامت زندانیان، بهبود شرایط آنان و التیام رنجهایشان است. کمیته بین المللی صلیب سرخ به تجربه می‌داند که ثبات قدم در این امور بسیار مهم است و این پیشرفت‌ها می‌تواند تنها در طولانی مدت از طریق گفتگوهای محرمانه با مقامات بر پایه واقعیت‌ها و تعهد جدی به ارزش‌های بشردوستانه محقق شود. برای اینکه بازدیدها معنادار باشند باید بر روی شرایط بازداشتگاه تاثیرگذار باشند و گفتگو با مقامات بازداشت کننده باید سازنده باشد. اگر این شرایط برآورده نشود ممکن است کمیته بین المللی صلیب سرخ تصمیم به توقف این بازدیدها بگیرد و نهایتاً بطور علنی این شرایط را محکوم کند.<sup>8</sup> این تصمیم سختی است چرا که در بسیاری از موارد این عمل زندانیان را بدون هر گونه بازدید خارجی (خارج از زندان) رها می‌کند و در نتیجه منجر به افزایش تنهایی، وابستگی و آسیب پذیری می‌شود.

### لحظه‌های انسانیت مشترک

چند سال پیش در فیلمی به تهیه کنندگی صلیب سرخ<sup>9</sup> زندانیان سابق در مورد بازداشتشان و ملاقات‌های کمیته بین المللی صلیب سرخ صحبت می‌کردند. این فیلم به سادگی رنج، حالت پریشانی، درد و اشک آن‌ها را زمانی که ایام وحشتناک زندان را بیاد می‌آوردند، نشان می‌دهد. برخی قصد داشتند که تنهایی و بدرفتاری را توضیح بدهند ولی ناگهان سکوت می‌کردند. واژه‌ها گم می‌شدند. حتی سال‌ها پس از آن حوادث، صحبت کردن در مورد آن‌ها ممکن نبود. در این فیلم، برخی زندانیان سابق بازدیدهای نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ را به یاد می‌آورند و در مورد اهمیت این بازدیدها توضیح می‌دهند. این موضوع من را یاد صحبت‌های محرمانه با زندانیان حول یک فنجان قهوه، چای، آب پرتغال و کلوچه‌ها می‌انداخت. در برخی موقعیت‌ها، بازدید یک مواجهه واقعی می‌شد. ما در مورد زندگی‌ها و خانواده‌هایمان صحبت می‌کردیم، در مورد طبیعت، هنر و فرهنگ، باورها و امیدها، ولی اغلب فقط در مورد چیزهای کوچک بود، چیزهای کوچک در زندگی روزمره. گاهی بذله گویی اتفاق می‌افتاد و خنده لذت بخشی بطور غیرمنتظره در بین واقعیت‌های شوم به قهقهه می‌افتاد. در آنجا لحظه‌های قوی و شدیدی وجود داشتند؛ لحظه‌های انسانیت مشترک.

### تصاویر امید

چند سال پیش در طول بازدیدها در یک بازداشتگاه مشخص خشن، من ملاقات‌های مشابهی را تجربه کردم. با آنکه نیازهایی اولیه مانند غذا، آب، سرپناه یا خدمات درمانی فراهم بود، سلامت جسمی، روحی و روانی زندانیان به شدت تحت تأثیر تنهایی، بی‌فعالیتی، محرومیت از اموال شخصی، روابط سخت و عصبی با نگهبانان و بلا تکلیفی نسبت به سرنوشتشان قرار می‌گرفت. در بسیاری از بازداشتگاه‌ها فعالیت مهم کمیته بین المللی صلیب سرخ جمع آوری و پخش اخبار خانوادگی از طریق پیام‌های صلیب سرخ، از طرف خانواده‌ها به زندانی و پاسخ آن‌ها از زندانیان به خانواده‌هایشان بود.<sup>10</sup> در این مکان مشخص، فعالیت تقریباً ویژه دیگری نیز وجود

<sup>8</sup> ICRC, 'Respect for the life and dignity of the detainees', Overview, 29 October 2010, available at: <http://www.icrc.org/eng/what-we-do/visiting-detainees/overview-visiting-detainees.htm> (last visited 22 June 2013).

<sup>9</sup> ICRC, 'Remembering the silence', ICRC, Geneva, 1993, DVD, 34 min.

<sup>10</sup> Red Cross messages (RCM) are open letters that contain exclusively family or private news, and are collected and delivered personally by volunteers of the National Society of the Red Cross or Red Crescent, or by staff of the

داشت. کارمندان کمیته بین المللی صلیب سرخ عکس‌هایی از مناظر طبیعی، حیوانات و گیاهان پخش می‌کردند. در طول بازدیدها ما می‌دیدیم که زندانیان تصاویری از یک پایه را که توسط نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ ارائه شده بود جمع می‌کردند. با میانگین پخش ۲۰ تصویر برای هر فرد در هر بازدید، این یک فعالیت چشمگیر بود. بازه انتخاب گسترده ای از تصاویر چاپ شده گل‌ها، پرنده‌ها یا حیوانات وحشی، شهرها و بناهای مذهبی و غروب‌های زیبا در مناظر گسترده وجود داشت.

زندانیان با این تصاویر چه می‌کردند؟ نخست، بسیاری آن‌ها را به عنوان یادآوری برای اینکه زیبایی در جهان وجود دارد بر دیوار سلول‌هایشان می‌آویختند: گل‌های زیبا، حیوانات قوی، پرندگان آزاد در حال پرواز، شهرهای بزرگ، مکان‌هایی برای عبادت و زندگی مذهبی و غروب‌های زیبا وجود دارند. دوم، بسیاری تصاویر را برای قوم و خویش‌هایشان می‌فرستادند، اغلب بدون هر گونه توضیحی چرا که هیچ واژه ای نیاز نبود، یا چرا که هیچ واژه ای نمی‌توانست آنچه را که آن‌ها بیان می‌کردند بگوید؛ چرا که تصاویر به آن‌هایی که دوستشان داشتند می‌گفتند: «من اینجا هستم، و من این تصویر را با شما به اشتراک می‌گذارم، من به شما زیبایی طبیعت و شهرها را پیشنهاد می‌کنم؛ من با زیبایی غروب می‌تیم. من انسان هستم.»

این زندانیان انسانیت خود را از طریق این روش‌های ساده بیان می‌کردند. آن‌ها جنگ، بدرفتاری، جدایی‌ها، تنهایی و شرایط بی‌رحم زندان را تحمل کرده بودند. با آن‌ها به عنوان نا-انسان خارج از انسانیت رفتار شده بود. آن‌ها به سادگی از طریق این تصاویر رویاها، امیدها و احتمالاً تعلق خود به انسانیت را بیان می‌کردند. هدیه این تصاویر زیبا به اقوامشان، بیان عشق و انسانیت مشترک آن‌ها بود.

به نظر می‌رسید برخی از کارمندان کمیته بین المللی صلیب سرخ مهارت‌های خاص ایجاد ارتباط و حساسیت به این جنبه انسانی از فعالیت‌هایشان را دارا بودند. برای مثال، زنان در تیم‌های بازدید کننده نقش مهمی بازی می‌کردند: آن‌ها این فعالیت را توسعه داده بودند، آن‌ها تصاویر را از اینترنت انتخاب می‌کردند، آن‌ها را در فرمت کارت‌پستال چاپ می‌کردند و تقسیم آن‌ها را تنظیم می‌کردند. برخی نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ در رساندن این تصاویر به زندانیان فداکاری زیادی از خود نشان دادند، آن‌ها را در انتخاب زیباترین تصویر تا فرستادن آن به خانه کمک کردند و در مورد انتخاب آن‌ها و معنای این تصاویر با آن‌ها صحبت کردند. این‌ها لحظه‌های با ارزشی بودند.

### هدیه‌های کوچک و به رسمیت شناختن متقابل

اگرچه برخی زندانیان استفاده دیگری از این تصاویر چاپ شده می‌کردند: در مدت مکالمه خصوصی آن‌ها عکسی را از مجموعه خود انتخاب و به نماینده بازدید کننده اهدا می‌کردند. در فضایی که از بیشتر موضوعات مادی خالی است این موضوعات کوچک تبدیل به هدایایی با ارزش غیرقابل محاسبه می‌شوند. برای زندانیان در شرایط بسیار سخت بازداشتگاه با هدیه دادن تصویر به نماینده، انسانیت خود را بیان و کرامت خود را باز

---

ICRC. The RCM contain the name and full address of the sender and the addressee and, in places of detention, they are read by the authorities before delivery. See ICRC, 'Restoring contact', available at: <http://familylinks.icrc.org/en/Pages/HowWeWork/restoring-contact.aspx> (last visited 22 June 2013).

می‌یافتند. این هدیه کوچک و بلاعوض از طرف آسیب پذیرترین و محروم‌ترین فرد حسی از شناسایی متقابل به عنوان انسان را؛ به رسمیت شناختن انسانیت مشترکمان را نمایان می‌سازد.<sup>11</sup>

دادن هدیه از طرف زندانیان به بازدیدکننده‌های کمیته بین المللی صلیب سرخ متداول است و احتمالاً معنای مختلفی دارد. اگر ممکن بود زندانیان نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ را برای به اشتراک گذاشتن فنجانی چای، نوشیدنی خنک یا مقداری غذا دعوت می‌کردند. این کنش ساده، رابطه‌ای را برقرار می‌سازد که در آن بازدیدکننده به عنوان مهمان پذیرفته می‌شود. در نتیجه برخی مشابهت‌ها و اقدامات متقابل در رابطه با عامل رفتار بشردوستانه برقرار می‌شود. بسیاری از نمایندگان با تجربه خود را به عنوان ملاقات کننده زندانیان در نظر می‌گیرند و احترام و مهربانی‌ای را که از هر مهمانی در خانه خود انتظار دارند، بروز می‌دهند. پیشنهاد نوشیدنی یا غذا، دعوتی به مواجهه واقعیست برای اشتراک در لحظه‌ای از انسانیت.

هم چنین برخی زندانیان یک نقاشی، شعر یا صنایع دستی پیشکش می‌کنند که این اتفاق هم چندان نادر نیست. این برخورد به عنوان پاسخی به تعهد اخلاقی برای رفتار متقابل در برابر بازدید با یک هدیه متقابل فهمیده نمی‌شود بلکه بیان سپاسگزاری و درخواست به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک انسان دارای هویت و تاریخ، احساسات، رنج‌ها و ظرفیت‌هاست.

### چند قطره عطر و کرامت

یک روز در طول بازدید زندان، یک همکار زن، یک درخواست غیرمعمول دریافت کرد. یک زندانی از او پرسیده بود که آیا او را دوباره در روزی دیگر خواهد دید و برای او عطر خواهد آورد؟ نماینده به دلیل طبیعت درخواست و قواعد امنیتی سردرگم شد. عصر از یک همکار مرد درخواست مقداری اودکلن کرد و در روز بعد زندانی را دوباره دید و چند قطره از آن را به او داد. زندانی با لذت و گشاده دستی اودکلن را به خود زد، به صورت، موها و لباس‌هایش. او درخشان شده بود، نشست و بالا را نگاه کرد و با قدردانی گفت: «می‌دانی، امروز برای اولین بار از وقتی اینجا آمده‌ام بوی خوبی می‌دهم. حس می‌کنم انسان هستم.»

سپس به حیاط رفت تا رفقایش را ببیند، لذتش را با آن‌ها به اشتراک بگذارد و لباس‌هایش را به لباس‌های آن‌ها بمالد تا عطر را تقسیم کند. وقتی بعدتر ما آن‌ها را در آن روز دیدیم، نزد ما آمدند با خوشی و غرور تا بوی خوب را تقسیم کنند. چند قطره عطر حس کرامت انسانی آن‌ها را بازگردانده بود.

### مراقبت بشردوستانه، از وحشت تا بازگشت

اتفاق‌های ناچیز و امور کوچک مذکور در بالا برخی جنبه‌های مراقبت بشردوستانه و ارزش آن در بازداشتگاه‌های خشن را نشان می‌دهد. در برخی مکان‌های غیرانسانی شده، مراقبت بشردوستانه می‌تواند چند قطره از انسانیت را فراهم کند. متخصصان سلامتی که با قربانیان تجاوز و خشونت شدید کار می‌کنند نقش کلیدی در شناسایی رنج روانی مربوط به خشونت و شرایط و رفتار غیرانسانی داشته‌اند. آن‌ها از واقعیت وحشت روانی و نتایج آن پرده برداشته‌اند. اگرچه هنوز راه زیادی در درک و شناسایی لطمه عمیق ناشی از مخاصمات مسلحانه، خشونت

<sup>11</sup> Paul Ricœur, 'L'échange des dons et la reconnaissance mutuelle', in *Parcours de la reconnaissance*, Stock, Paris, 2004, pp. 342 and 352; Paul Ricœur, *The Course of Recognition*, Harvard University Press, Cambridge MA, 2005.

شدید، رفتار غیرانسانی و ترذیلی، شکنجه واردآمده بر سلامت و کرامت قربانیان وجود دارد؛ و حتی راه طولانی تری در آموزش راه‌های ممکن برای کمک به زندانیان برای بازگشتن و بازسازی زندگی‌های معنادار و فعال باقی است. قبل از به دست آوردن نتایج قطعی در مورد نقش احتمالی مواجهه بشردوستانه با آن‌هایی که رنج می‌کشند بطور خاص در بافت و فضای خشونت و غیرانسانی بودن، احتیاط و محدودیت مورد نیاز است.

انکار واقعیت خشونت و تجاوز و نتایج آن‌ها به سادگی رخ می‌دهد و می‌تواند نتایج دیرپایی بر سرنوشت افراد بی‌شمار در مخاصمات مسلحانه داشته باشد. خشونت شدید سلب کردن انسانیت است و برای افراد انسانی ویرانگر خواهد بود. خشونت شدید آنچه را که انسان است در انسان‌ها نابود می‌کند. برای متخصصان بشردوست دیدار با قربانی خشونت شدید و گوش دادن به حرف‌های او می‌تواند تجربه دردناکی باشد. متخصصان تحت تأثیر روایت‌های خشونت شدید و شکنجه قرار می‌گیرند. آن‌ها برای کمک به قربانیان خشونت متحمل هزینه‌ای عاطفی می‌شوند. ریچارد مولیکا که با تعداد زیادی از قربانیان شکنجه کار کرده است این هزینه را «درد شفاگر» می‌خواند. در این تجربه، «فعل شاهد بودن خشونت می‌تواند به همان اندازه ای به شاهد آسیب برساند که به کسانی که عملاً خشونت را تجربه کرده‌اند آسیب رسانده است»<sup>12</sup> این وحشت ثانویه یا «وحشت نیابتی» ناشی از «اثر انباشته شدن کار کردن با موکلان وحشت زده است و در مداخله با احساسات، الگوهای شناختی، خاطره‌ها، اعتماد به نفس و احساس امنیت فرد متخصص بازتاب می‌یابد.»<sup>13</sup> این نتیجه منحصر به فرد کار کردن با وحشت ابتدا توسط روان‌درمانگران و اخیراً توسط خانواده‌های زندانیان جنگی<sup>14</sup>، مترجمانی که با قربانیان شکنجه کار می‌کنند<sup>15</sup> و وکلای کیفری که در معرض موقعیت‌های جنایی قرار دارند توصیف شده است.<sup>16</sup>

نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌توانند بواسطه فعالیت‌های خود مربوط به قربانیان خشونت شدید تحت تأثیر قرار بگیرند. هم‌چنین آن‌ها ممکن است شاهد ظرفیت برخی از قربانیان برای مقاومت کردن و نگه داشتن انسانیت خود در برابر تجربه‌های غیرانسانی باشند. بازدیدهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تا چه حد در مقاومت و ظرفیت‌های سازگار شدن قربانیان سهم دارد؟ آیا بازدیدها دست کم به ارتقای بازگشت پذیری منجر می‌شوند؟ احتمالاً آن‌ها در زمان‌هایی که دیدارها تبدیل به موقعیتی برای مواجهه می‌شوند اینطور هستند، موقعیت‌هایی که لحظه‌هایی از انسانیت به اشتراک گذاشته شده هستند.

ما یک بار این مسائل را در جلسه آموزشی بحث کردیم. یک همکار زن که به عنوان پزشک در بازداشتگاه‌هایی که در آن‌ها شکنجه عادی و مداوم بود کار می‌کرد گفت که امور به گونه ای دیگر اتفاق می‌افتادند. در واقع، متخصصان می‌توانند عمیقاً تحت تأثیر کارشان در بازداشتگاه‌ها قرار بگیرند اما نه به آن شکل که اگر آن‌ها یک زندانی را ملاقات کنند و ظرفیت زندانی را برای ساختن بازگشت پذیری افزایش بدهند. او توضیح داد که چگونه

<sup>12</sup> Richard F. Mollica, *Healing Invisible Wounds: Paths to Hope and Recovery in a Violent World*, Harcourt Inc., Orlando FL, 2006, p. 31.

<sup>13</sup> Pilar Hernández, David Gangsei and David Engstrom, 'Vicarious resilience, a new concept in work with those who survive trauma', in *Family Process*, Vol. 46, No. 2, June 2007, p. 231.

<sup>14</sup> Rachel Dekel and Zahava Solomon, 'Secondary traumatization among wives of Israeli POWs: the role of POWs' distress', in *Social Psychiatry and Psychiatry Epidemiology*, Vol. 41, No. 1, 2006, pp. 27-33.

<sup>15</sup> David W. Engstrom, Tova Roth and Jennie Hollis, 'The use of interpreters by torture treatment providers', in *Journal of Ethnicity and Cultural Diversity in Social Work*, Vol. 19, No. 1, January-March 2010, pp. 54-72.

<sup>16</sup> Lila Petar Vrklevski and John Franklin, 'Vicarious trauma: the impact on solicitors of exposure to traumatic material', in *Traumatology*, Vol. 14, No. 1, March 2008, pp. 106-118.

یک روز ملاقاتی خصوصی با گروهی از زندانیان داشت. آن‌ها چیزهای وحشتناکی را بیان می‌کردند، شکنجه، رنج و درد. او به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و گریسته بود. زندانیان با او به مهربانی سخن گفته بودند. آن‌ها توضیح داده بودند که چگونه با هم می‌توانند بر رنج‌ها غلبه کنند. آن‌ها همدیگر را حمایت می‌کردند و حالا نماینده ای را که با آن‌ها دیدار می‌کرد حمایت می‌کردند.

ما چیزهای مهمی از این روایت آموختیم. نخست، این نماینده یک بشر دوست خوب و متخصصی سالم بود؛ اشک‌های او به سادگی احساس شفقت و انسانیت او را در مقابل روایت‌های غیرانسانی بیان کرده بود و این واقعیت را که با تمام تجربیاتش، نسبت به رنج بی تفاوت نشده بود. دوم، برای زندانیان این نشانه‌ی مواجهه با یک انسان بود. آن‌ها خود را در موقعیتی یافته بودند که حمایت و اندرز خود را برای او فراهم بیاورند، و بیشتر از آن تجربه خود را با او به اشتراک بگذارند.

فرآیند آموزش مثبت درمانگران از بیماران خود در مورد غلبه بر سختی «انعطاف پذیری نیابتی»<sup>17</sup> توصیف و خوانده می‌شود، شبیه همان تروماهای نیابتی که در کارهای متخصصان در ارتباط با قربانیان خشونت شدید توصیف شده است. بازگشت پذیری نیابتی به عنوان «فرآیندی تعریف شده است که به موجب آن متخصصان بطور مثبتی تحت تأثیر بازگشت پذیری مشتریان خود قرار می‌گیرند».<sup>18</sup> این یک توسعه جالب در فهم ما از وحشت و بازگشت پذیری است. یک رابطه معنادار از مراقبت فرایندی بین الاذهانی و متقابل است که توسط همان موضوع بالا مطرح می‌شود. عامل مرکزی در مراقبت بشردوستانه احتمالاً متکی به رابطه‌ی بین متخصص و فرد مورد بازدید است، زمانی که این دیدار تبدیل به مواجهه‌ای بین دو انسان می‌شود. در این مواجهه هر کدام از طرف‌ها به عنوان یک فرد با هویت، تاریخ، ظرفیت و آسیب پذیری خود حضور دارد. ساختن بازگشت پذیری پس از خشونت شدید می‌تواند فرآیند دوسویه‌ی انسانی شدن باشد.

### مراقبت بشردوستانه در مواجهه با خصومت‌گری

داستان‌های کوچک بالا، موقعیت‌هایی را توضیح می‌دهند که در آن‌ها رابطه بین فرد حرفه ای بشردوست و زندانی ممکن است منجر به مواجهه ای انسانی شود. اگرچه نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ برخی مواقع در بازدیدهایشان از مراکز بازداشت با تهاجم یا رد مواجه می‌شوند. هم چنین آن‌ها ممکن است مورد توهین‌های تزدیلی، تجاوز زبانی، حتی تهدید یا حمله توسط مایعات بدنی زندانی‌ها قرار بگیرند. تحمل و غلبه بر این موقعیت‌ها می‌تواند بطور مضاعفی سخت باشد. این‌ها می‌توانند منبع دیگری از وحشت نسبت به افراد حرفه ای بشردوست باشند.

بسیاری از نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ از چنین موقعیت‌هایی رنج برده‌اند. در موارد مقتضی، زندانی‌ها بعد از آزادی برای ملاقات نماینده‌ها به دفتر آن‌ها رفته‌اند. پوزش خواسته‌اند، درخواست درک متقابل کرده‌اند و توضیح داده‌اند که این تنها وسیله آن‌ها برای نشان دادن عصبانیتشان بوده است. آن‌ها می‌گویند که توهین‌ها و رفتارهای تهاجمی شخصی نیستند ولی آنجا وسایلی هست که با آن‌ها می‌شود ارتباط برقرار کرد. یک همکار نظر داده بود که زندانی‌های آزاد شده از او بخاطر رفتارش وقتی که مورد توهین واقع شد تشکر

<sup>17</sup> P. Hernández et al., above note 11, p. 230.

<sup>18</sup> Pilar Hernández, David Engstrom, and David Gangsei, 'Exploring the impact of trauma on therapists: vicarious resilience and related concepts in training', in Journal of Systemic Therapies, Vol. 29, No. 1, 2010, p. 73.



کرده‌اند زیرا او شخصاً واکنش نشان نداده بود. آن‌ها گفته بودند که این برخورد به آن‌ها کمک کرده بود که آن‌ها با رنجشان کنار بیایند.

اقدامات تهاجمی علیه دیگران یا خود شخص معمولاً روش‌های شدید ارتباط در زندان است. در یک کنفرانس مهم در ۱۹۷۵، آندره سینیائوسکی نویسنده مخالف، آزاد شده بعد از گذراندن هفت سال در کمپ‌های جماهیر شوروی، به برخی «شکل‌های نهایی ارتباط در شرایط تنهایی» اشاره کرد.<sup>19</sup> او درباره اقدامات غیرمعمول، غیرعادی یا شاید شک آور به عنوان شکل‌هایی از ارتباط «در جایی که فردی در شرایط کاملاً بسته قرار می‌گیرد» سخن گفت و افزود «جایی که زبان و نیاز برای ارتباط هیچ راهی به برون ندارد، خود زندگی راهی به بیرون ندارد.»<sup>20</sup> در شرایط تنهایی شدید، طرد یا بی تفاوتی، اقدام با بدن خود یا علیه آن، اعتصاب غذا، ناقص کردن عضو، یا سایر اقدامات خشونت علیه خود باید به عنوان «وسایل خاص ارتباط» فهمیده شوند.<sup>21</sup> این اقدامات، اعتراضی شدید را از طریق «ارتباطی کاملاً منفی، گسستی در ارتباط» بیان می‌کنند.<sup>22</sup> مطالعات انسان‌شناسی و زبان‌شناسی اخیر بر روی اقدامات شدید ارتباطی در چنان شرایطی به نتایج مشابهی دست یافته است.<sup>23</sup> اقدامات تهاجمی مانند توهین، ریختن مایعات بدن بر روی بازدید کنندگان، پاشیدن مدفوع بر روی دیوارهای سلول‌ها، اعتصاب غذا یا ناقص کردن عضو باید اول به عنوان اقدامی برای ارتباط فهمیده شوند. این‌ها اعتراض یا بیان ناامیدی هستند وقتی که هیچ وسیله ارتباطی دیگری در دسترس نیست. این‌ها فریادی برای کرامت و به رسمیت شناخته شدن هستند.

بازدیدکنندگان بشردوست از مراکز بازداشت، نیاز دارند که برای مواجهه با چنین موقعیت‌هایی آماده شوند تا از واکنش شخصی یا بسیار رسمی نسبت به اقدامات تهاجمی اجتناب کنند. برگرداندن ارتباط کلامی «با» شخص زندانی مهم است: بجای حرف زدن «به» او یا گوش دادن «به» او، کلید این مساله می‌تواند در بازگرداندن گفتگو، گشودن یک روش شناسایی متقابل به عنوان انسان‌هایی با ظرفیت و کرامت باشد. چنین گفتگویی ممکن است به بازدیدکننده کمک کند تا معنا، دلیل و هدف رفتارهای تهاجمی را بفهمد و بازتابی مشترک درخصوص راه‌های ممکن ارتباط با شخص مورد نظر یا مقامات را باز کند.

بازدیدکننده‌های بشردوست با روندی مشابه در گفتگوهایشان با مقامات در مورد راه‌های ارتقای ارتباط مثبت در مراکز بازداشت مواجه هستند. برای مثال، پاسخ انسانی به اعتصاب غذا می‌تواند مقرر کردن جلسه‌های منظم بین مقامات زندان و زندانی یا نماینده‌های آن‌ها باشد. این جلسات فرصت‌هایی هستند تا مسائل مهم مطرح شوند و بازتاب‌ها در مورد راه حال‌های ممکن به اشتراک گذاشته شوند. پیشرفت‌ها در ارتباطات می‌تواند اثری بزرگ بر روی طبیعت رابطه بین زندانی‌ها و آن‌هایی که آن‌ها را زندانی کرده‌اند داشته باشد، بنابراین منجر به کاهش خشونت و سلامت بهتر زندانی‌ها می‌شود.

<sup>19</sup> André Siniavski, '«MOI» ET «EUX». Sur quelques formes extrêmes de la communication dans des conditions de solitude', in *Solitude et Communication, Rencontres Internationales de Genève – Tome XXV*, Éditions de la Baconnière, Neuchâtel, 1975, pp. 137–167.

<sup>20</sup> Idem., p. 138.

<sup>21</sup> Ibid., p. 145.

<sup>22</sup> Ibid., p. 145.

<sup>23</sup> Lionel Wee, 'Extreme communicative acts and the boosting of illocutionary force', in *Journal of Pragmatics*, Vol. 36, No. 12, December 2004, pp. 2161–2178; Lionel Wee, 'The hunger strike as a communicative act: intention without responsibility', in *Journal of Linguistic Anthropology*, Vol. 17, No. 1, June 2007, pp. 61–76.

## چیزهای کوچک به عنوان راهی به انسانی کردن

خشونت و مخاصمات مسلحانه اثرات ویرانگری بر روی افراد، خانواده‌ها، جوامع و انسانیت گذاشته است. مثال‌هایی که از بازداشتگاه‌ها به دست آمده نشان می‌دهد که اقدامات بشردوستانه در مورد مراقبت از افراد و انسانی کردن فضاهای غیرانسانی است. این کار معمولاً مستلزم فروتنی و اعتمادی عمیق نسبت به ظرفیت‌هایمان به عنوان انسان برای نفی خشونت و درگیر شدن در روابط احترام آمیز و سازنده حتی در میان مخاصمات مسلحانه است. هم چنین نیاز به پذیرش این موضوع وجود دارد که آثار اقدامات بشردوستانه ممکن است به سرعت قابل مشاهده نباشد. آن‌ها ممکن است سال‌ها بعد به خوبی نمایان شوند، زمانی که زندانیان پیشین فنجانی قهوه، عکس‌های گل‌ها، حیوانات وحشی یا غروب، قطره‌های عطر، لحظات ساده به اشتراک گذاشتن انسانیت، چیزهای کوچکی را که کرامت آن‌ها را بازگرداند به یاد بیاورند؛ چرا که به عنوان انسان به رسمیت شناخته شدند.

فیلسوف جانانان گلوور، در کتاب ارزشمند خود «انسانیت» جنبه‌های غیر انسانی بودن را بررسی می‌کند.<sup>24</sup> او در کاوش‌های خود فقط چند مثال از انسانیت دیده است. به نظر می‌رسد که تنها اندکی از مردم جسارت و جرات خطر کردن و دادن «پاسخ‌های انسانی» را دارند؛ پاسخی که حاوی احترام و همدردی است.<sup>25</sup> در اروپای به اشغال درآمده توسط نازی‌ها برای زندانی‌ها در ماوتهاوزن یا برای یهودی‌ها در برلین، «حتی چهره‌های دوستان تفاوت ایجاد می‌کرد.»<sup>26</sup>

گلوور به پرونده نویسنده و فیلسوف ژان آمری استناد می‌کند، کسی که سیگارها را به یاد دارد. بعد از آنکه در بریندانک شکنجه شد، سربازی سیگار روشنی را از پشت میله‌های زندان سمت او انداخته بود. بعدتر، در آشویتس-مونوویتس او آخرین سیگار هربرت کاپ سرباز معلول از دانزینگ را با او قسمت کرده بود. آمری تعداد اندک دیگری را به یاد می‌آورد که رفتارهای انسانی داشتند. آن‌ها شامل ویلی اشنایدر، کارگری کاتولیک از اسن، «که او را با فراموش کردن نام اولش و دادن نانی به او خطاب قرار داده بود»<sup>27</sup> ولی گلوور نوشته که: «ژان آمری از اینکه چه مقدار این حرکات نادر بوده غافل نبود». آمری در کتاب خود شرح می‌دهد که «سنگینی و وزن این سربازان شجاع کافی نبود «زمانی که دیگر در مقابل او نبودند» ولی در میان مردم خود گم شده بودند»<sup>28</sup> از نظر او، اقدامات انسانی تعدادی کم نمی‌تواند در مقابل اقدامات بی شمار شرکت در جرم، موافقت و همکاری توسط عده زیادی از مردم برابری کند. آمری دلیل خشمش و غیرممکن بودن غلبه بر آنچه انجام شده را توضیح می‌دهد. او به شدت تحت تأثیر شکنجه و اردوگاه‌های مرگ قرار گرفته بود. او خود را دچار آسیب روانی تلقی نمی‌کرد، در عوض نوشته است که: «او فاقد انسانیت شده بود.»<sup>29</sup>

<sup>24</sup> Jonathan Glover, *Humanity: A Moral History of the Twentieth Century*, Pimlico, London, 1999.

<sup>25</sup> *Idem.*, pp. 22–23.

<sup>26</sup> *Ibid.*, p. 383.

<sup>27</sup> *Ibid.*, p. 383.

<sup>28</sup> Jean Améry, *Par-delà le crime et le châtement – Essai pour surmonter l'insurmontable*, Actes Sud, Arles, 1995 (translated from German), p. 159.

<sup>29</sup> *Idem.*, pp. 172 and 208.

ماگدا هولاندر- لافون در روایت خود حرکات انسانی کوچکی را در میان وحشی گری و ترس در آشویتز به یاد می‌آورد:<sup>30</sup> شخصی در قطار به آشویتز به او یک تکه سوسیس داده و او آن را با مادر و خواهرش تقسیم کرده بود؛<sup>31</sup> سربازهای ناشناسی جان او را نجات داده بودند و هنگامی که او از تشنگی بیهوش شده بود به او چند قطره آب داده بودند<sup>32</sup> نگهبان زشت با صدایی بدجنس «به او یک جفت کفش چوبی داده و در محل کارش از او مراقبت کرده بود؛<sup>33</sup> رفیقی به او از شجاعت و دوستی و برادری گفته بود و حرف‌هایش او را کمک کرده بود که زنده بماند؛<sup>34</sup> و به زنی در حال مرگ چهار تکه کوچک نان داده بود که او توانسته بود با آن‌ها نجات پیدا کند و شاهد آنچه که در آشویتز اتفاق می‌افتاد باشد.<sup>35</sup> چنین چیزهای کوچکی ماگدا هولاندر- لافون را کمک کرده بود تا بر رنج‌هایش فائق آید و راه انسانی خود را دنبال کند.

روایت‌های زیادی از نجات یافتگان خشونت‌های شدید وجود دارد. هر تجربه انسانی منحصر به فرد و غیرقابل جایگزین شدن است. هم چنین هیچ راه حل «حاضر و آماده ای» برای مراقبت بشردوستانه وجود ندارد. درخواست برای چند قطره عطر در لحظه در یک مکان مشخص در طول مواجهه دو فرد پیش می‌آید. در طول این قطرات زندانی حس به رسمیت شناخته شدن به عنوان انسان را دارد. مایع مشابه در بافت و فضایی دیگر می‌تواند بی معنی یا حتی توهین آمیز باشد. مردمی که مشغول انجام اقدامات بشردوستانه هستند راه خود را برای مراقبت بشردوستانه پیدا می‌کنند. آن‌ها با انسانیت، هویت، تاریخ، ظرفیت و آسیب پذیری خود کار می‌کنند. در اغلب قریب به اتفاق مواقع، به ویژه در مخاصمات مسلحانه و سایر موقعیت‌های خشونت آمیز، متخصصان بشردوستانه با محدودیت‌ها و بی قدرت بودن اقدامات خود مواجه می‌شوند. اما بسیاری از آن‌ها به تجربه می‌دانند که توانایی آن‌ها در مراقبت و اقدام با احترام و هم دردی، همراه با خلاقیتشان، می‌تواند کمک کند تا یک دیدار با یک فرد متأثر- زندانیان، غیرنظامیان، مردم مجروح یا بیمار- یک مواجهه واقعی و یک لحظه از انسانیت مشترک باشد. این رابطه مراقبت بشردوستانه قلب و هسته اقدام بشردوستانه است.

<sup>30</sup> Magda Hollander-Lafon, *Quatre petits bouts de pain – des ténèbres à la joie*, Albin-Michel, Paris, 2012.

<sup>31</sup> *Ibid.*, p. 90.

<sup>32</sup> *Ibid.*, p. 34.

<sup>33</sup> *Ibid.*, p. 45.

<sup>34</sup> *Ibid.*, p. 51.

<sup>35</sup> *Ibid.*, p. 73.